

با رفتارهایی خارج از شخصیت های انسانی و خودخواهی و منفعت طلبی محض بیرون میزند.

آنها شعارشان "هدف وسیله را توجیه میکند" بود را سرمشق رفتار خود قرار داده بودند و با ترکیب دیدگاه اومانسیسم محوری چیزی جز کشتار، وحشت، فلج کردن روحیه شجاعت و جسارت بعضی از اقوام ارمغان دیگری برای جوامع تحت نفوذشان نداشتند و با گذشت زمان ثابت گردید که جوامع غربی و اروپایی با این شعار ها، کشور و سرزمین خود را آباد و سرزمین های مجاور و تحت سلطه سیاسی خود را از حیث زیر ساخت های مادی و معنوی به کل نابود کردند و نمونه های آن را میتوان در کشور های افریقایی مانند لیبی، نیجریه، عراق و ... مشاهده کرد که خود گویای سقوط این ایده و شکست تقلید از رفتار ایرانی ها بوده است.

اما ایرانیان در طول تاریخ به هر سرزمینی که میرفتند مایه خیر و برکت آن مردمان میشدند و علی رغم، آبادی سرزمین خود به آبادی و رشد سرزمین های تحت تسلط خود نیز مبادرت می ورزیدند و نمونه بارز این تفکر را میتوان بعد از فتح سرزمین بابل توسط هخامنشیان دانست که پادشاه ایرانی دستور نوشتن قوانینی برای حفظ حرمت و شکوفایی بابل و مردمان مغلوب را میدهد و همه را ملزم به انجام آن میکند و اینگونه میشود که سلطه بر قلوب شکل میگیرد.

بعد از اسلام و گسترش آن در میان مردمان ایرانی، آنها متوجه حقیقت اسلام شدند و با بیرون کشیدن اسلام ناب از دل مردمان عرب، این فرهنگ ناب محمدی را با خود در سرزمین های دیگر گسترش دادند.

سلاطین صفوی که سردمدار گسترش اسلام تشیع به غرب و شرق بودند، بار دیگر لرزه بر تن دشمنان دیرینه خود انداختند و متوجه شدند که سرشت ایرانی گسترش خوبی ها با تسلط بر سرزمین هاست.

این روند بعد از صفویان توسط غربی های رصد شد و با برنامه ریزی آنها توانستند کمی جلوی شکوفایی ایرانی ها را مخصوصا در دوره قاجار بگیرند و در دوره پهلوی با یک ضد حمله ای از جنس غربگرایی سعی بر تغییر مزاج مردمان ایرانی داشتند که هیچ گاه موفق نشدند، زیرا باید به این نکته اشاره کرد که ژن و خون ایرانی با یک سری از خصلت های معنوی و انسانی گره خورده و تغییر آن کار بسیار سخت و ناممکنی است.

جمهوری اسلامی ایران بعد از گذشت صدها سال از صفویان، باز راه غلبه بر قلوب مردمان جهان را در پیش گرفت و این در



صورتی بود که غربی ها و غربگرایان تا دندان مسلح را در مقابل خود داشتند و با هر روشی بر آن شده اند تا مانع از این پیشروی بشوند اما باید گفت که ما در چهل سال گذشته راهی را در مسیر گسترش سیاسی جغرافیایی رفتیم که آنها برای طی کردنش باید دهها سال وقت و بودجه را با تحمیل جنگ های خانمان سوز طی میکردند.

آری امروز جغرافیای سیاسی ایرانی مرزهایی فراتر از خطوط نقشه ای دارد و حتی در بعضی موارد میتوان گفت که ما تا امریکای جنوبی نیز پیش رفته ایم و این خود جای افتخار و به خود بالیدن دارد و باشد که با حمایت از رهبران این کشتی عظیم در دریای خروشان جهان امروز و مبارزه با غربگرایی که هدفشان حذف فرهنگ ایرانی است، بتوانیم نام ایران را مانند گذشته های دور زنده کنیم. **دانشجوی دکتری زبان های باستانی**